



رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی‌گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه

مریم شریفی^۱، علی محمدباقر^۲، مریم حیدری^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی‌گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه در بین کلیه زنان مطلقه ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۲ انجام شد که در نهایت از مجموع ۲۰۰ نفر که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند ۱۸۹ نفر پاسخگو بودند. روش پژوهش کاربردی، از نوع توصیفی و همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری است. نتایج پژوهش نشان داد مدل ساختاری بررسی رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی‌گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه از برآزش مطلوبی برخوردار است. همچنین فرضیه‌های پژوهش با کمک ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین "خشونت خانگی"، "طلاق"، "اضطراب اجتماعی" و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد بین "خشونت خانگی" با "طلاق" رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین اضطراب اجتماعی با خشونت خانگی و طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: خشونت خانگی، طلاق، اضطراب اجتماعی، احساس تنهایی، زنان مطلقه

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

sharifimaryam.mash@gmail.com

^۲ دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، ambpsych@yahoo.com

^۳ گروه مامایی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران



۱. مقدمه

همه جوامع انسانی خواهان امنیت و عدالت اجتماعی هستند و برای رسیدن به این مطلوب از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کنند. بدون تردید عامل امنیت و نبود خشونت به روند توسعه و رشد همه قشرها و بخشهای جامعه کمک می‌کند. نخستین حق بشر، حفظ آرامش و آسودگی، ثبات و امنیت در همه ابعاد زندگی است. متأسفانه خشونت در سطوح مختلف فرهنگی رخ می‌دهد و به طبقه خاصی اختصاص ندارد. بر اساس یافته‌های همه‌گیرشناسی ۲۱ تا ۳۴ درصد کل زنان در سراسر دنیا توسط همسرانشان مورد ضرب و جرح و خشونت فیزیکی واقع می‌شوند که البته آمار واقعی بسیار بیشتر از این مقدار است. به دیگر گونه‌های خشونت کمتر توجه می‌شود و بسیاری از مواقع زنان به دلایل مختلف حاضر به طرح مشکل خود نیستند (آرنول و استوارت، ۲۰۲۱). کارشناسان حقوقی و مدافعان حقوق انسانی زنان در بسیاری از کشورها خشونت خانگی را یکی از جرم‌هایی می‌دانند که بیشتر از همه روی می‌دهد اما کمتر گزارش می‌شود (آلسینا و همکاران، ۲۰۲۱). درمیان انواع خشونت‌ها اعم از خانوادگی، اجتماعی و سیاسی، خشونت خانگی یک آسیب جدی اجتماعی است که با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری همچنان در جوامع خودنمایی می‌کند (آلن و همکاران، ۲۰۲۲).

ازدواج ناموفق و طلاق، مشکلات اجتماعی و همچنین دغدغه‌های شخصی است. موفقیت و شکست در ازدواج پیامدهایی فراتر از زندگی شخصی هر فرد دارد (حنیفه، ۱۳۹۱). در فرهنگ‌های فردگرا، مانند کشورهای اروپایی، بیرون آمدن از زندگی‌ای که از آن راضی نیست، طبیعی تلقی می‌شود. اما در فرهنگ‌های جمع‌گرایانه مانند کشورهای آسیایی از جمله ایران، جداسازی و طلاق به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن ارزش‌های سنتی با تأکید بر خانواده‌محوری نادیده گرفته می‌شوند (اسپرانديو و همکاران، ۲۰۲۱). طلاق به یک مشکل جدی تبدیل شده است، زیرا با چالش‌های زیادی در زندگی روزمره خانواده همراه است. تأثیرات جدی بر سلامت روحی و روانی افراد به ویژه زنان دارد. اعتقاد بر این است که زنان مسئول اشتباهات زندگی هستند. به عبارت دیگر، از آنجا که زنان بیشتر روی زندگی خانوادگی سرمایه‌گذاری می‌کنند و مسئولیت بیشتری در زندگی مشترک دارند، طلاق برای آنها شکست بزرگتری نسبت به مردان است (کابیلار و یلماز، ۲۰۲۲).

یکی از مهمترین مواردی که می‌تواند به شکل منفی تحت تأثیر زندگی نابسامان و طلاق قرار بگیرد اضطراب اجتماعی زنان متقاضی طلاق است. اضطراب اجتماعی به اضطراب یا تجربه هراس که در موقعیت‌های میان فردی یا عملکردی ایجاد می‌شود اطلاق می‌شود. افراد دارای اضطراب اجتماعی بالا از ارزیابی منفی دیگران نسبت به خود یا انجام عملی که باعث شرمندگی شود بیمناک‌اند (یانگسون و همکاران، ۲۰۲۱).

احساس تنهایی را عدم هماهنگی میان سطحی از تماس اجتماعی که فرد خواهان آن است با سطحی از تماس اجتماعی که در واقعیت برقرار کرده است، تعریف کرده‌اند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از مشکلاتی که افراد بعد از جدایی با آن روبه رو می‌شوند، احساس تنهایی است. در این زمان فردی که سال‌ها با همسرش زیر یک سقف زندگی کرده است ناگهان احساس می‌کند به شدت تنهاست (محمدنظری و همکاران، ۱۳۸۹).

خانواده یکی از نخستین و پایدارترین نهادهای اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و موجب پذیرش ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و همچنین، انتقال الگوهای روابط و تعامل از خانواده به سایر نهادهای اجتماعی است (آرنول و استوارت، ۲۰۲۱)، می‌توان گفت بهنجاری یا نابهنجاری در گرو شرایط عمومی خانواده است و آسیب‌های روانی و اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از آسیب‌های روانی-اجتماعی مهم خشونت خانگی است. خشونت خانگی^۱ عبارت است از رفتارهای هجومی و سرکوب‌گرانه از جمله حملات جسمانی، جنسی و روانی و همچنین، اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد (آرنول و استوارت، ۲۰۲۱). سازمان بهداشت جهانی^۲ خشونت علیه زنان را هر گونه رفتار خشن و وابسته به جنسیت که موجب آسیب شده یا با احتمال

¹ domestic violence

² World Health Organization



آسیب جسمی، جنسی، عاطفی یا رنج زنان همراه است، تعریف کرده است. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، سلب مطلق اختیار یا آزادی صورت گرفته و در جمع و یا خفا رخ دهد (آلسینا و همکاران، ۲۰۲۱). پرداختن به پدیده خشونت خانگی یک اولویت بهداشت عمومی جهانی است (آلن و همکاران، ۲۰۲۲). اگرچه خشونت خانگی علیه زنان در سراسر جهان سلامت روانی، جسمانی و شغلی آنان را به مخاطره انداخته و حقوق انسانی آن‌ها را مورد تجاوز قرار داده است (بالبل و همکاران، ۲۰۲۱). طبق تعریف ثبات زناشویی^۱ حالتی است که در آن زنان و مردان از آرامش نسبی و عشقی که براساس درک و فهم متقابل ایجاد شده است، لذت می‌برند. بی‌ثباتی زناشویی به عنوان تمایل زوجین به طلاق در آن‌ها در نظر گرفته می‌شود که شامل دو بخش شناختی (آیا ازدواج آن‌ها در موقعیت دشواری قرار دارد؟) و بخش رفتاری (عملی که فرد در نتیجه یا در گفتگو با همسر خود احساس می‌کند) است (کاپیلار و یلماز، ۲۰۲۲). طلاق، پدیده روانی است نه تنها بر تعادل روانی دو انسان، بلکه بر فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها نیز اثر می‌گذارد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۳). مرور مطالعات نشان می‌دهد که ناپایداری ازدواج با واژه‌ها و اصطلاحات متعددی مانند از هم‌گسیختگی زناشویی^۲، جدایی پیوند زناشویی، طلاق، وضعیت زناشویی پایین و رهاکردن ازدواج استفاده شده است. معنای ناپایداری ازدواج، تمایل زوج به طلاق را نشان می‌دهد. ناپایداری ازدواج زمانی آشکار می‌گردد که یک عضو از زوجین یا هر دو عضو، درباره طلاق یا به اتمام رسیدن رابطه فکر می‌کنند و کارهایی را انجام می‌دهند که به تمام شدن ازدواج منجر می‌شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶). احساس تنهایی در زنان مطلقه و افزایش نیازهای عاطفی بعد از طلاق صرفاً به سبب از دست دادن همسر نیست (لابوتته و همکاران، ۲۰۲۲) بلکه به این دلیل است که آنان پس طلاق علاوه بر همسر و خانواده او، دوستان مشترک و حتی برخی از دوستان شخصی خود را از دست داده‌اند (نیه و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از آثار مهم طلاق تأثیرات روانشناختی آن بر زنان مطلقه است و همچنین پژوهش‌های اجتماعی نشان می‌دهند اثرات سوء طلاق در زنان بیشتر از مردان است (سوریتا و سانچز، ۲۰۲۲). در این پژوهش‌ها که در جهان و ایران انجام شده است نتایج نشان می‌دهند زنان مطلقه دچار افسردگی، احساس ناامیدی، تنهایی و ضعف روانی و مشکلات دیگر هستند. زمانی که پدیده طلاق برای فرد اتفاق می‌افتد عوامل اجتماعی زیادی چون رفتار پرخاشگرانه و اضطراب اجتماعی را در پی دارد. روانشناسان اجتماعی معتقد هستند اضطراب اجتماعی به اضطراب یا تجربه هراس که در موقعیت‌های فردی یا عملکردی به وجود می‌آید گفته می‌شود و عاملی مخرب و ویران کننده است (تاتیكوندا و همکاران، ۲۰۲۲) افرادی که دارای اضطراب اجتماعی بالا هستند از ارزیابی منفی دیگران نسبت به خود یا انجام عملی که باعث شرمندگی شود بیمناک هستند (ون و همکاران، ۲۰۲۱).

باتوجه به اینکه در زمینه موضوع پژوهش رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی‌گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه تحقیقات کمی در ایران صورت گرفته است و اکثر مشکلات و مسائل روانی که زنان مطلقه که تجربه خشونت خانگی را داشته‌اند در حین و بعد از طلاق با آن روبرو می‌شوند مورد بررسی عمیق و دقیق صورت نگرفته است با وجود شواهد پراکنده در خصوص تفاوت یا رابطه بین خشونت خانگی و طلاق، اضطراب اجتماعی و احساس تنهایی در زنان مطلقه این سوال مطرح می‌شود بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی‌گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه چه نوع رابطه‌ای وجود دارد؟

میرزائی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش اثربخشی گروه‌درمانی شناختی- رفتاری بر استیگما، علائم اضطراب اجتماعی و ترس از صمیمیت در زنان مطلقه یافته‌ها نشان داد مداخله شناختی- رفتاری، یکی از روش‌های مؤثر در بهبود ویژگی‌های روان‌شناختی زنان مطلقه قلمداد می‌شود. نیکوگفتار و سنگانی (۱۳۹۹) براساس نتایج پژوهش اثربخشی طرح‌واره درمانی بر نشخوار فکری، احساس تنهایی عاطفی اجتماعی و سلامت عمومی زنان مطلقه بیان می‌کنند طرح‌واره درمانی به‌طور معنی‌داری باعث ارتقای سلامت عمومی و کاهش نشخوار فکری و احساس تنهایی زنان مطلقه می‌شود و پیشنهاد می‌شود مشاوران و درمانگران برای بازتوانی زنان پس از طلاق در جهت افزایش سلامت عمومی، کاهش نشخوار فکری و روابط اجتماعی تسهیل‌یافته‌تر از قواعد

¹ marital stability

² marital breakup



طرح‌واره درمانی استفاده نمایند. بگریزی و همکاران (۱۳۹۶) در یافته‌های خود بیان کننده این امر هستند که بیشتر خشونت‌های اعمال شده علیه زنان به ترتیب خشونت روانی، کلامی و خشونت فیزیکی بوده است و بین خشونت علیه زنان و متغیرهای اعتماد زوجین به یکدیگر، روابط جنسی و اجتماعی رضایت بخش و همکاری زوجین با یکدیگر همبستگی وجود داشته است و متغیر قدرت زن در ساختار خانواده، منابع حمایتی، پذیرش نقش‌های جنسیتی، خشونت در خانواده خاستگاه خشونت‌پذیری و پایگاه اقتصادی اجتماعی نسبی زوجین رابطه معناداری با خشونت علیه زنان دارند. برگرن و گاتزن (۲۰۲۲) در پژوهش انجام شده مطرح می‌کنند به‌طور جدی مسأله خشونت خانگی در دهه ۱۹۷۰ و در پی فعالیت‌های گروه‌های فمینیستی در حمایت از زنان مورد توجه قرار گرفته است. امروزه نیز خشونت خانگی علیه زنان به شدت رواج دارد و در بسیاری از جوامع به عنوان امری عادی پذیرفته شده است و طبق آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۰، ۳۰ درصد زنان از سوی شریک زندگی‌شان خشونت را تجربه می‌کنند. تولیو و همکاران (۲۰۲۱) مطالعه‌ای در زمینه خشونت خانگی بیان می‌کند ارتقای سطح سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع در دسترس خانواده می‌تواند احتمال بروز خشونت خانگی را تا حد قابل توجهی کاهش دهد و همچنین، اعتماد و شبکه اجتماعی در مقام شاخص‌های اجتماعی نقش مهمی در کاهش خشونت داشته‌اند. زنانی که متحمل نوعی از خشونت خانگی می‌شوند، انواع دیگر خشونت را آزار و خشونت به حساب نمی‌آورند. مثلاً زنانی که از آزار جسمی‌شان رنج می‌برند، کمتر خود را قربانی خشونت می‌پندارند.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر کاربردی، از نوع توصیفی و همبستگی از نوع مدل سازی معادلات ساختاری روشی آماری است که در بسیاری از رشته‌ها از جمله روان‌شناسی، علوم رفتاری، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد، حسابداری، پزشکی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش می‌تواند به عنوانی ترکیبی از تحلیل عاملی و رگرسیون یا تحلیل مسیر در نظر گرفته شود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان مطلقه ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۲ بود. برای انتخاب نمونه در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس و مبتنی بر هدف استفاده شد. از آن جا که روش پژوهش حاضر از طریق معادلات ساختاری است و با وجود آن که در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ نفر می‌باشد. کلاین (۲۰۱۰) نیز معتقد است در تحلیل مسیر برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر قابل دفاع است. بنابراین با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۰ نفر از زنان در نظر گرفته شد. پرسشنامه‌ها در اختیار جامعه آماری پژوهش قرار داده شد. در نهایت ۲۸۹ نفر پاسخگو بودند ابزارهای پژوهش عبارتند از:

پرسشنامه خشونت خانگی^۱ (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱)

پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج^۲ (ادواردز^۳ و همکاران، ۱۹۸۰)

پرسشنامه اضطراب اجتماعی (جرابک ۱۹۹۶)

پرسشنامه احساس تنهایی (UCLA) (راسل و پیلوا و کورتونا ۱۹۸۰)

الف) پرسشنامه خشونت خانگی (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱)

این ابزار خودگزارشی در سال ۱۳۹۱ به وسیله محسنی تبریزی و همکاران به منظور سنجش خشونت خانگی تدوین و اعتباریابی شده است. این ابزار شامل ۷۱ سؤال می‌باشد که ۱۰ سؤال اول آن مربوط به اطلاعات جمعیت شناختی و ۶۱ سؤال بعدی آن مربوط به سنجش انواع همسرآزاری، باورهای مردسالارانه، سنت‌ها و تربیت خانوادگی و رفتار خشن است. نمره گذاری این پرسشنامه در دو قسمت و براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (هیچ وقت با نمره صفر الی همیشه با نمره ۴) انجام می‌شود. در این ابزار نمره اکتسابی صفر پایین‌ترین میزان خشونت، نمره ۱۲۰ میزان متوسطی از خشونت و نمرات ۱۲۰ به بالا میزان بالایی از

¹ Domestic Violence Questionnaire

² Marital Instability Index

³ Edwards



خشونت خانگی را نشان می‌دهند. در پژوهش محسنی تبریزی و همکاران در سال ۱۳۹۱ ضریب آلفای کرونباخ این ابزار برابر با ۰/۸۱ محاسبه شده است.

ب) پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج (ادواردز^۱ و همکاران، ۱۹۸۰)

این ابزار خودگزارشی در سال ۱۹۸۳ به وسیله بوث و همکاران به منظور سنجش ثبات و پایداری ازدواج در بین زوجین تدوین و اعتباریابی شده است. این ابزار دارای ۱۴ سؤال است. این پرسشنامه متکی بر این نظر است که برای ارزیابی بی‌ثباتی و خطر بالقوه طلاق زن و شوهر باید هم شناخت و هم رفتار توأمان در نظر گرفته شود. نمره‌گذاری این ابزار در طیف لیکرت ۵ درجه ای (هرگز با نمره ۱ الی همیشه با نمره ۵) انجام می‌شود. حد پایین نمرات اکتسابی در این ابزار ۱۴، حد متوسط نمرات اکتسابی ۳۵ و حد بالای نمرات اکتسابی برابر با ۵۶ خواهد بود. کسب نمره بین ۱ تا ۱۴ نشان دهنده احتمال بی‌ثباتی پایین، نمره بین ۱۴ تا ۳۵ نشان دهنده احتمال بی‌ثباتی متوسط و نمره بالای ۳۵ نشان دهنده احتمال بی‌ثباتی بالا می‌باشد. بوث و همکاران در سال ۱۹۸۳ ضریب آلفای کرونباخ این ابزار را ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز یاری پور در سال ۱۳۷۹ ضریب اعتبار این ابزار را ۰/۷۰ و زیارتی (۱۳۹۳) پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند.

ج) پرسشنامه اضطراب اجتماعی (جراک ۱۹۹۶)

پرسشنامه اضطراب اجتماعی جراک در سال ۱۹۹۶ توسط ایلینا جراک برای سنجش اضطراب اجتماعی ساخته شده است. این ابزار دارای ۲۵ سؤال ۵ گزینه ای با گزینه های تقریباً همیشه، اغلب اوقات، گاهی اوقات، بندرت، تقریباً هیچ وقت است. روش نمره گذاری پرسشنامه در این ابزار به شکل مستقیم می‌باشد، بدین ترتیب که گزینه تقریباً همیشه نمره ۵ و گزینه تقریباً هیچ وقت نمره ۱ می‌گیرد. همچنین نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده عدم اضطراب اجتماعی است. این پرسشنامه توسط سام دلیری در سال ۱۳۸۱ در ایران روی یک گروه ۴۷۷ نفری از دانش آموزان اجرا شده است و روایی و پایایی آن مطلوب گزارش شده. با استفاده از روش تحلیل عاملی، ۵ عامل شامل ترس از بیگانگان، ترس از ارزیابی توسط دیگران، ترس از صحبت کردن در جمع، ترس از انزوای اجتماعی، و ترس از آشکار شدن علائم اضطراب استخراج شده است که این ۵ عامل ۴۷/۲۳ درصد واریانس کل تست را تبیین می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضریب حاصله ۰/۸۷ بود.

د) پرسشنامه احساس تنهایی (UCLA) (راسل و پیلوا و کورتونا ۱۹۸۰)

پرسشنامه احساس تنهایی توسط (راسل و پیلوا و کورتونا^۲) در سال ۱۹۸۰ ساخته شد که شامل ۲۰ سؤال و به صورت ۴ گزینه ای، ۱۰ جمله منفی و ۱۰ جمله مثبت است. این پرسشنامه براساس یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای، هرگز امتیاز (۱)، به ندرت امتیاز (۲)، گاهی امتیاز (۳) و همیشه امتیاز (۴) دارد ولی امتیاز سوالات ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۰، ۹، ۶، ۵، برعکس است. یعنی هرگز (۴)، به ندرت (۳)، گاهی (۲) و همیشه امتیاز (۱) را دارد. دامنه نمره‌ها بین ۲۰ (حداقل) و ۸۰ (حداکثر) است. بنابراین میانگین نمره ۵۰ است. نمره بالاتر از میانگین بیانگر شدت بیشتر تنهایی است. پایایی این آزمون در نسخه جدید تجدید نظر شده ۷۸٪ گزارش شد. پایایی آزمون به روش باز آزمایی توسط راسل، پیلوا و فرگوسن (۱۹۷۸) ۸۹٪ گزارش شده است. این مقیاس توسط شکرکن و میردریکوند ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات به کار گرفته شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناختی و توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. همچنین، از آن‌جا که این پژوهش به دنبال مدلیابی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر برای بررسی برازش مدل ارائه شده با داده‌های به دست آمده و آزمون کردن فرضیه‌های پژوهش بود، لذا از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۶ استفاده شد. در این پژوهش، برای برازش مدل پیشنهادی از شاخص‌های برازندگی شامل

¹ Edwards

² Russell, Curtona & Peplau



شاخص مجذور کای (χ^2)، شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش انطباقی، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی هنجار شده، شاخص برازندگی توکر-لوپس، و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های استنباطی از نرم افزار آموس^۱ برای ترسیم نمودار معادلات ساختاری و روش آماری تحلیل مسیر استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل ارائه اطلاعات کتبی درباره پژوهش به شرکت‌کنندگان، اطمینان خاطر به افراد درباره رعایت محرمانه بودن اطلاعات به دست آمده و استفاده از آن فقط در امور پژوهشی، داوطلبانه بودن مشارکت در مطالعه، ثبت نشدن نام و نام خانوادگی ایشان به منظور رعایت حریم خصوصی و دریافت رضایت‌نامه انجام شد.

۳. یافته‌های پژوهش

مهمترین مرحله در تجزیه و تحلیل آماری SEM ارزیابی برازش الگو به داده‌ها است. پیش از انجام هرگونه روابط علی میان سازه‌ها، لازم است برازش الگو به داده‌ها تایید گردد.

نتایج جدول ۴-۱ آزمون شاپیرو تک نمونه‌ای را نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود توزیع نمرات متغیرهای پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان طبیعی است. از آنجایی سطوح معناداری آماره‌های نرمال بودن بزرگ‌تر از ۰/۰۵ هستند ($P > 0/05$)، لذا توزیع نمرات دارای توزیع نرمال است، بر این اساس می‌توان از آزمون استفاده کرده نتایج حاصل از این آزمون‌های آماری قابل اطمینان است.

جدول ۴-۱- آزمون شاپیرو برای بررسی نرمال بودن

متغیر پژوهش	سطح معناداری
خشونت روانی	۰/۰۴۳
خشونت اقتصادی	۰/۰۹۳
خشونت جسمی	۰/۰۱۸
خشونت جنسی	۰/۰۵۲
طلاق	۰/۱۵۱
ترس از بیگانگان	۰/۳۶۵
ترس از ارزیابی توسط دیگران	۰/۱۳۱
ترس از صحبت کردن در جمع	۰/۰۳۹
ترس از انزوای اجتماعی	۰/۰۷۸
ترس از آشکار شدن علائم اضطراب	۰/۱۲۷
احساس تنهایی مثبت	۰/۰۲۱
احساس تنهایی منفی	۰/۰۵۱

بر اساس جدول ۴-۲ می‌توان گفت که اگر مقدار آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشته باشد، می‌توان استقلال خطاها را پذیرفت و تحلیل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره را دنبال کرد. مفهوم مستقل بودن به این معنی است که نتیجه یک مشاهده تاثیری بر نتیجه مشاهدات دیگر نداشته باشد. در رگرسیون، بیشتر در مواقعی که رفتار متغیر وابسته در یک بازه زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد ممکن است با مشکل مستقل نبودن خطاها برخورد کنیم به این نوع ارتباط در داده‌ها خودهمبستگی می‌گویند. در صورت وجود خودهمبستگی در خطاها نمی‌توان از رگرسیون خطی استفاده کرد. از آنجایی که آماره‌های دوربین واتسون بین ۱/۵ الی ۲/۵ است و نشان دهنده آن است که همبستگی بین خطاها رد می‌شود یعنی خطاها

¹ Amos



دارای همبستگی نیستند. لذا می‌توان از معادلات ساختاری استفاده کرده نتایج حاصل از این آزمون‌های آماری قابل اطمینان است.

جدول ۴-۲- آزمون دوربین-واتسون برای بررسی استقلال خطاها

مدل‌های پژوهش	دوربین واتسون (خودهمبستگی)
خشونت خانگی	۲/۲۷۴
طلاق	۲/۱۷۷
اضطراب اجتماعی	۱/۸۸۴
احساس تنهایی	۲/۳۲۲

همخطی حالتی است که در آن بین دو متغیر یا بیشتر پیش‌بین، همبستگی قوی وجود دارد. همخطی چندگانه می‌تواند تفسیر نتایج را تحریف کند. لذا برای بررسی همخطی چندگانه از آزمون ضریب تحمل و تورم واریانس استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳-۴ آمده است. بر اساس نتایج جدول ۳-۴ هیچ کدام از مقادیر آماره تحمل کوچک‌تر از حد مجاز ۰/۱ و هیچ کدام از مقادیر عامل تورم واریانس بزرگ‌تر از حد مجاز ۱۰ نمی‌باشند. از آنجایی که وجود همخطی چندگانه در متغیرها مشاهده نشد، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری استفاده نمود و نتایج آن قابل اطمینان است.

جدول ۴-۳- ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای ملاک، پیش‌بین و میانجی

متغیر پژوهش	ضریب تحمل	تورم واریانس (VIF)
خشونت روانی	۰/۳۹۶	۲/۵۲۳
خشونت اقتصادی	۰/۳۸۶	۲/۵۹۰
خشونت جسمی	۰/۶۳۸	۱/۵۶۷
خشونت جنسی	۰/۵۳۹	۱/۸۵۶
طلاق	۰/۴۳۸	۱/۳۳۶
ترس از بیگانگان	۰/۳۸۷	۲/۵۸۳
ترس از ارزیابی توسط دیگران	۰/۴۶۱	۲/۱۷۱
ترس از صحبت کردن در جمع	۰/۴۶۹	۲/۱۳۲
ترس از انزوای اجتماعی	۰/۳۸۵	۲/۶۰۱
ترس از آشکارشدن علائم اضطراب	۰/۳۶۳	۲/۷۵۶
احساس تنهایی مثبت	۰/۴۷۹	۲/۰۸۶
احساس تنهایی منفی	۰/۵۷۵	۱/۷۳۹

بر اساس معادلات ساختاری و روش آماری همبستگی بین متغیر برون‌زا (خشونت خانگی و طلاق) و درون‌زا (احساس تنهایی) با متغیر میانجی (اضطراب اجتماعی) ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و در جدول زیر آمده است: جدول ۴-۴ ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج این جدول بین متغیرهای پژوهش از نظر آماری همبستگی مثبت، مستقیم و معناداری وجود دارد.



جدول ۴-۴- ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش (** سطح معناداری ۰/۰۵)

Variable	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	۱۲
۱ خوشونت روانی	۱											
۲ خوشونت اقتصادی	۰/۷۳۱	۱										
۳ خوشونت جسمی	۰/۸۱۶	۰/۳۶۳	۱									
۴ خوشونت جنسی	۰/۴۱۰	۰/۴۲۱	۰/۴۴۲	۱								
۵ طلاق	۰/۵۵۶	۰/۳۲۴	۰/۵۰۶	۰/۳۷۲	۱							
۶ ترس از بیگانگان	۰/۳۸۵	۰/۴۳۷	۰/۴۶۸	۰/۳۹۲	۰/۴۳۵	۱						
۷ ترس از ارزیابی توسط دیگران	۰/۵۹۲	۰/۴۹۲	۰/۴۷۰	۰/۳۷۱	۰/۴۱۹	۰/۴۵۳	۱					
۸ ترس از صحبت کردن در جمع	۰/۶۳۲	۰/۵۷۸	۰/۷۳۱	۰/۶۴۲	۰/۴۹۱	۰/۶۱۹	۰/۵۱۹	۱				
۹ ترس از انزوای اجتماعی	۰/۶۷۱	۰/۵۴۱	۰/۳۴۰	۰/۳۹۲	۰/۶۴۱	۰/۳۸۷	۰/۳۰۵	۰/۵۳۶	۱			
۱۰ ترس از آشکارشدن علائم اضطراب	۰/۷۴۹	۰/۸۶۳	۰/۸۷۲	۰/۷۲۳	۰/۵۳۵	۰/۳۵۸	۰/۳۶۷	۰/۳۸۵	۰/۳۲۶	۱		
۱۱ احساس تنهایی مثبت	۰/۳۲۱	۰/۳۷۱	۰/۶۵۳	۰/۳۵۲	۰/۴۸۷	۰/۶۲۳	۰/۳۶۵	۰/۳۵۵	۰/۴۶۵	۰/۴۳۲	۱	
۱۲ احساس تنهایی منفی	۰/۴۸۱	۰/۳۸۸	۰/۷۳۹	۰/۳۷۷	۰/۳۱۴	۰/۵۷۰	۰/۴۴۱	۰/۶۲۱	۰/۵۸۵	۰/۳۱۶	۰/۳۸۹	۱

در پژوهش حاضر، به منظور بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای خوشونت خانگی، طلاق، اضطراب اجتماعی و احساس تنهایی، یک مدل فرضی براساس پیشینه پژوهشی تدوین گردید و فرضیه‌های مستقیم و فرضیه‌ی غیرمستقیم آن بررسی شدند. برآورد مدل پیشنهادی در دو گام انجام شد. در گام اول، به بررسی برازندگی مدل پیشنهادی و آزمون فرضیه کلی که شامل شاخص‌های برازش است، اشاره شده است در گام دوم پارامترهای (ضرایب استاندارد مسیرها) مدل پیشنهادی پژوهش اشاره شده است. نتایج تحلیل مدل پیشنهادی در جدول ۴-۵ قابل مشاهده است. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز همانند شاخص RMR بر مبنای تحلیل ماتریس باقیمانده قرار دارد. الگوهای قابل قبول دارای مقدار ۰/۰۸ یا کوچکتر برای این شاخص هستند. برازش الگوهایی که دارای مقادیر بالاتر از ۰/۱ هستند، ضعیف برآورده می‌شود. همان طور که در جدول (۴-۵) مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوهای اندازه‌گیری کمتر از یک است که این شاخص نیز نشان از برازش خوب الگوها توسط داده‌ها دارد. در نهایت با توجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردار هستند و به عبارتی شاخص‌های کلی این مورد را تایید می‌کنند که داده‌ها به خوبی از الگوها حمایت می‌کنند.

جدول ۴-۵- شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی پژوهش

مقدار معقول	مقدار به دست آمده	شاخص‌ها	نوع شاخص
-	۲۸۹/۰۹۲	کای اسکور هنجار شده (CMIN)	شاخص‌ها
	۶۱	درجه آزادی	
کمتر از ۵	۴/۲۱۶	CMIN/DF	
بیشتر از ۰/۰۵	۰/۰۷۲	سطح معناداری	

شاخص‌ها



خطای ریشه‌ی مجذور میانگین تقریب (RMSEA)	۰/۰۱۸	کمتر از ۰/۰۸
شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)	۰/۹۱	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۲	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۳	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰

جدول ۴-۶ نیز پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم متغیرها را نشان می‌دهد همانطوری که جدول ۴-۶ نشان می‌دهد تمامی مسیرهای مستقیم در مدل معنادار می‌باشند ($p < 0.05$) که در آن بیشترین ضریب استاندارد به خشونت خانگی به مسیر طلاق ($\beta = 0.34$) و کمترین ضریب استاندارد به مسیر اضطراب اجتماعی به احساس تنهایی ($\beta = 0.20$) مربوط می‌شود.

جدول ۴-۶: پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم متغیرها در مدل پیشنهادی

مسیرها	خطای استاندارد	بتای غیراستاندارد (B)	بتای استاندارد (β)	نسبت بحرانی (CR)	سطح معنی‌داری
خشونت خانگی به احساس تنهایی	۰/۹۳	۰/۳۵	۰/۳۲	۲/۶۵	۰/۰۰۱
طلاق به احساس تنهایی	۰/۱۷	۰/۸۹	۰/۲۳	۲/۰۷	۰/۰۴
اضطراب اجتماعی به احساس تنهایی	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۲۰	۱/۶۹	۰/۰۰۹
خشونت خانگی به طلاق	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۳۴	۲/۷۸	۰/۰۰۷

در این قسمت فرضیه‌های مربوط به روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها و ضرایب استاندارد مسیرها در مدل پیشنهادی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

۱) بین خشونت خانگی و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

با توجه به مندرجات جدول ۴-۶ ضریب استاندارد مسیر خشونت خانگی بر احساس تنهایی $\beta = 0.32$ می‌باشد که در سطح تعیین شده $P < 0.05$ معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه اول پژوهش را تأیید می‌کند.

۲) بین طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

با توجه به مندرجات جدول ۴-۶ ضریب استاندارد مسیر طلاق بر احساس تنهایی $\beta = 0.23$ می‌باشد که در سطح تعیین شده $P < 0.05$ معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه دوم پژوهش را تأیید می‌کند.

۳) بین اضطراب اجتماعی و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

با توجه به مندرجات جدول ۴-۶ ضریب استاندارد مسیر اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی $\beta = 0.20$ می‌باشد که در سطح تعیین شده $P < 0.05$ معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه سوم پژوهش را تأیید می‌کند.

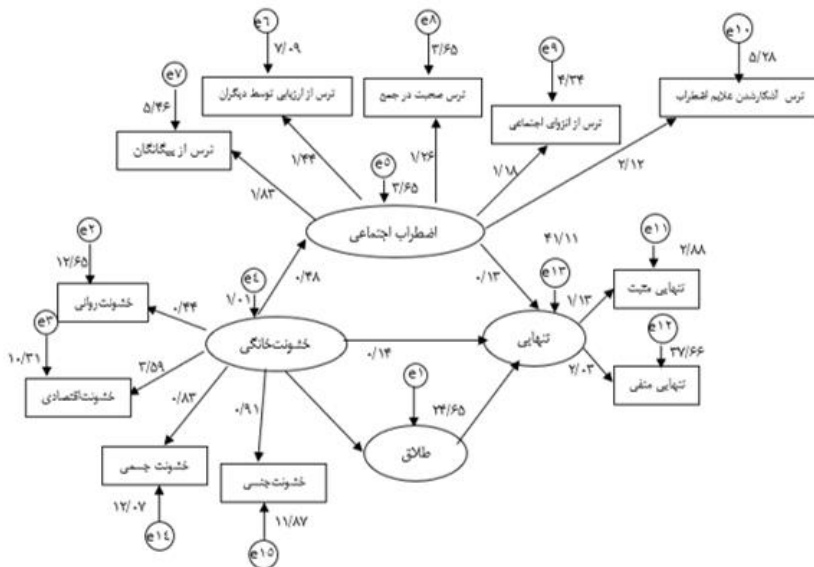
۴) بین خشونت خانگی و طلاق رابطه وجود دارد.

با توجه به مندرجات جدول ۴-۶ ضریب استاندارد مسیر خشونت خانگی بر طلاق $\beta = 0.34$ می‌باشد که در سطح تعیین شده $P < 0.05$ معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه چهارم پژوهش را تأیید می‌کند.

اضطراب اجتماعی بین خشونت خانگی و طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.



با توجه به معنادار بودن مسیرهای خشونت خانگی به احساس تنهایی (فرضیه ۱)، طلاق به احساس تنهایی (فرضیه ۲) و اضطراب اجتماعی به احساس تنهایی (فرضیه ۳) این فرضیه از طریق روش بوت استرپ مورد بررسی قرار گرفت. میزان ۹۵ درصد حد پایین (۱/۰۹) و بالای (۲/۳۸) روش بوت استرپ هم علامت بوده و صفر را در بر نمی گیرد، بنابراین، فرضیه فوق تأیید می شود.



نمودار ۴-۱- روابط ساختاری خشونت خانگی و طلاق با میانجی گری اضطراب اجتماعی با احساس تنهایی-ضرایب استاندارد ۴. نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه در بین کلیه زنان مطلقه ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۲ انجام شد که در نهایت از مجموع ۲۰۰ نفر که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند ۱۸۹ نفر پاسخگو بودند. یافته ها نشان داد بیشترین رده سنی پاسخگویان بین ۲۵ تا ۳۵ سال ۵۲ درصد است، بیشتر پاسخگویان حدود ۷۷/۷۸ درصد از همسر خود کوچک تر هستند، تعداد سالهای ازدواج اکثریت زنان مطلقه ۷ سال و بیشتر، ۶۴/۰۲ درصد بوده و بیشتر آنها دارای دو فرزند ۳۵/۹۸ می باشند. بیشترین میزان تحصیلات در زنان مطلقه کارشناسی ۶۱ نفر (۳۲/۲۸ درصد) و سپس کارشناسی ارشد ۵۷ نفر (۳۰/۱۶) و بیشترین میزان تحصیلات همسرانشان دیپلم ۵۹ نفر (۳۱/۲۲ درصد) و کارشناسی ۴۵ نفر (۲۳/۸۱) می باشند. بیشتر زنان مطلقه دارای شغل خانه داری ۱۱۵ نفر (۶۰/۸۵ درصد) و همسرانشان دارای شغل آزاد ۸۹ نفر (۴۷/۰۹ درصد) و کارمند ۵۸ نفر (۳۰/۶۹) می باشند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد در مخاطبان بالاترین میانگین نمرات مربوط به اضطراب اجتماعی ۷۳/۴۴ و سپس خشونت خانگی ۴۵/۵۲، طلاق ۴۳/۶۸ و احساس تنهایی ۴۱/۸۷ است. در بین ابعاد خشونت خانگی در مخاطبان بالاترین میانگین نمرات مربوط به خشونت روانی ۱۶/۴۰ و پایین ترین نمرات مربوط به خشونت جسمی ۷/۶۰ است. براساس نتایج، میانگین طلاق ۴۳/۶۸ است که نمره بالاتر از ۳۵ بیانگر احتمال بی ثباتی بالا است. در بین ابعاد اضطراب اجتماعی در مخاطبان بالاترین میانگین نمرات مربوط به ترس از بیگانگان ۲۱/۴۵ و پایین ترین نمرات مربوط به ترس از ارزیابی توسط دیگران ۱۰/۰۲ است، همچنین در بین ابعاد احساس تنهایی در مخاطبان بالاترین میانگین نمرات مربوط به احساس تنهایی منفی ۲۳/۶۷ و پایین ترین نمرات مربوط به احساس تنهایی مثبت ۱۸/۱۳ است.

نتایج پژوهش نشان داد مدل ساختاری بررسی رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با میانجی گری اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی زنان مطلقه از برآش مطلوبی برخوردار است. همانطور که نتایج نشان داد شاخص های برازندگی به برآش مطلوبی رسیدند.



در این قسمت فرضیه‌های مربوط به روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها و ضرایب استاندارد مسیرها در مدل پیشنهادی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

۱) بین خشونت خانگی و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان داد ضریب استاندارد مسیر خشونت خانگی بر احساس تنهایی در سطح تعیین شده معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه اول پژوهش را تأیید کرد. فرضیه اول پژوهش با کمک ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین خشونت خانگی و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج سایر مطالعات مانند غفاری و همکاران (۱۴۰۰)، نیکوگفتار و سنگنانی (۱۳۹۹)، بگریزی و همکاران (۱۳۹۶)، برگرن و گاتزن (۲۰۲۲) و تولیو و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه اول مطالعه حاضر می‌توان گفت خشونت‌های خانگی در حریم خانواده اتفاق می‌افتد و بر روی کیفیت زندگی زنان، توانایی‌ها استقلال آن‌ها اثر می‌گذارد و این خشونت علیه زنان تهدید بزرگی برای جدایی آن‌ها از بستر خانواده می‌شود و یکی از مهم‌ترین مشکلات عمده و اساسی در زنان مطلقه در کشور، احساس تنهایی و انزوای اجتماعی آن‌ها است. احساس تنهایی را عدم هماهنگی میان سطحی از تماس اجتماعی که فرد خواهان آن است با سطحی از تماس اجتماعی که در واقعیت برقرار کرده است، تعریف کرده‌اند.

۲) بین طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان داد ضریب استاندارد مسیر طلاق بر احساس تنهایی در سطح تعیین شده معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه دوم پژوهش را تأیید کرد. فرضیه دوم پژوهش با کمک ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. براساس نتایج، میانگین طلاق ۴۳/۶۸ است که نمره بالاتر از ۳۵ بیانگر احتمال بی‌ثباتی بالا است. این یافته با نتایج سایر مطالعات مانند نیکوگفتار و سنگنانی (۱۳۹۹)، صمدی‌کاشان (۱۳۹۷) و تولیو و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه دوم مطالعه حاضر می‌توان گفت طلاق ضمن برهم زدن تعادل روانی، عاطفی و اجتماعی اعضای خانواده، سبب آسیب پذیری زنان می‌شود. در این میان زنان در مقایسه با مردان، با بحران‌ها و مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند و پیامدهای وارده بعد از طلاق برای آنان بسیار شکننده‌تر است. یکی از مشکلاتی که افراد بعد از جدایی با آن روبه‌رو می‌شوند، احساس تنهایی است. در این زمان فردی که سال‌ها با همسرش زیر یک سقف زندگی کرده است ناگهان احساس می‌کند به شدت تنهاست.

۳) بین اضطراب اجتماعی و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان داد ضریب استاندارد مسیر اضطراب اجتماعی بر احساس تنهایی در سطح تعیین شده معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه سوم پژوهش را تأیید کرد. فرضیه سوم پژوهش با کمک ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین اضطراب اجتماعی و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج سایر مطالعات مانند میرزایی سورکی و همکاران (۱۴۰۰)، رضایی (۱۳۹۳)، تولیو و همکاران (۲۰۲۱) و پادگت و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه سوم مطالعه حاضر می‌توان گفت یکی از مهمترین مواردی که می‌تواند به شکل منفی تحت تأثیر زندگی نابسامان و طلاق قرار بگیرد اضطراب اجتماعی زنان متقاضی طلاق است. اضطراب اجتماعی به اضطراب یا تجربه هراس که در موقعیت‌های میان فردی یا عملکردی ایجاد می‌شود اطلاق می‌شود. افراد دارای اضطراب اجتماعی بالا از ارزیابی منفی دیگران نسبت به خود یا انجام عملی که باعث شرمندگی شود بیمناک‌اند. زمانی که فرد احساس می‌کند توسط دیگران قضاوت می‌شود و دوست‌داشتنی نیست، ارزشمندی خود را از دست می‌دهد و مشکلات جدی همچون احساس تنهایی و انزوای اجتماعی را تجربه می‌کند.

۴) بین خشونت خانگی و طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان داد ضریب استاندارد مسیر خشونت خانگی بر طلاق در سطح تعیین شده معنادار می‌باشد. این یافته فرضیه چهارم پژوهش را تأیید کرد. فرضیه چهارم پژوهش با کمک ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین خشونت خانگی با



طلاق زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج سایر مطالعات مانند نیکوگفتار و سنگنانی (۱۳۹۹)، حسینی (۱۳۹۹)، بگریزایی و همکاران (۱۳۹۶)، برگرن و گاتزن (۲۰۲۲) و تولیو و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه سوم مطالعه حاضر می‌توان گفت یکی از آسیب‌های روانی-اجتماعی مهم خشونت خانگی است. خشونت خانگی عبارت است از رفتارهای هجومی و سرکوب‌گرانه از جمله حملات جسمانی، جنسی و روانی و همچنین، اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد. پرداختن به پدیده خشونت خانگی یک اولویت بهداشت عمومی جهانی است. طلاق، پدیده روانی است نه تنها بر تعادل روانی دو انسان، بلکه بر فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آن‌ها نیز اثر می‌گذارد. مرور مطالعات نشان می‌دهد که ناپایداری ازدواج با واژه‌ها و اصطلاحات متعددی مانند از هم‌گسیختگی زناشویی، جدایی پیوند زناشویی، طلاق، وضعیت زناشویی پایین و رها کردن ازدواج استفاده شده است.

۵) اضطراب اجتماعی بین خشونت خانگی و طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

نتایج پژوهش نشان داد با توجه به معنادار بودن مسیرهای خشونت خانگی به احساس تنهایی (فرضیه ۱)، طلاق به احساس تنهایی (فرضیه ۲) و اضطراب اجتماعی به احساس تنهایی (فرضیه ۳) این فرضیه از طریق روش بوت استرپ مورد بررسی قرار گرفت. میزان ۹۵ درصد حد پایین (۱/۰۹) و بالای (۲/۳۸) روش بوت استرپ هم علامت بوده و صفر را در بر نمی‌گیرد، بنابراین، فرضیه پنجم تأیید شد. فرضیه پنجم پژوهش با کمک ضریب همبستگی پیرسون نشان داد اضطراب اجتماعی بین خشونت خانگی و طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. بین اضطراب اجتماعی با خشونت خانگی و طلاق و احساس تنهایی زنان مطلقه رابطه و همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج سایر مطالعات مانند میرزایی سورکی و همکاران (۱۴۰۰)، غفاری و همکاران (۱۴۰۰)، نیکوگفتار و سنگنانی (۱۳۹۹)، بگریزایی و همکاران (۱۳۹۶)، برگرن و گاتزن (۲۰۲۲) و تولیو و همکاران (۲۰۲۱) و پادگت و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه پنجم مطالعه حاضر می‌توان گفت امروزه نیز خشونت خانگی علیه زنان به شدت رواج دارد و در بسیاری از جوامع به عنوان امری عادی پذیرفته شده است و طبق آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۰، ۳۰ درصد زنان از سوی شریک زندگی‌شان خشونت را تجربه می‌کنند. زمانی که پدیده طلاق برای فرد اتفاق می‌افتد عوامل اجتماعی زیادی چون رفتار پرخاشگرانه و اضطراب اجتماعی را در پی دارد. روانشناسان اجتماعی معتقد هستند اضطراب اجتماعی به اضطراب یا تجربه هراس که در موقعیت‌های فردی یا عملکردی به وجود می‌آید گفته می‌شود و عاملی مخرب و ویران کننده است. افرادی که دارای اضطراب اجتماعی بالا هستند از ارزیابی منفی دیگران نسبت به خود یا انجام عملی که باعث شرمندگی شود بیمناک هستند. احساس تنهایی در زنان مطلقه و افزایش نیازهای عاطفی بعد از طلاق صرفاً به سبب از دست دادن همسر نیست بلکه به این دلیل است که آنان پس طلاق علاوه بر همسر و خانواده او، دوستان مشترک و حتی برخی از دوستان شخصی خود را از دست داده‌اند.

پژوهش حاضر نیز مانند سایر مطالعات حوزه علوم رفتاری با محدودیت‌هایی همراه بود:

- ۱) اجرای مطالعه صرفاً بر روی زنان مطلقه بود و خیلی از زنان مطلقه از پاسخگویی به پرسشنامه خودداری می‌کردند.
- ۲) از محدودیت‌های دیگر، این پژوهش بین تمامی زنان مطلقه ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۲ انجام شد، بنابراین صرفاً به جامعه مورد پژوهش قابل تعمیم است و نتایج آن قابل تعمیم به جوامع دیگر نیست و در صورت تعمیم می‌بایست جوانب احتیاط رعایت شود.
- ۳) مشکل در پیدا کردن افراد داوطلب برای پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه به دلیل وجود متغیر خشونت خانگی و طلاق (این مشکل با توضیح دادن به افراد که پرسشنامه بدون نام و مشخصات پر می‌شود کاهش یافت ولی همچنان باعث حذف تعدادی از افرادی که درگیر خشونت خانگی و طلاق بودند از میان گروه نمونه شد).
- ۴) از دیگر محدودیت‌های پژوهش بی‌رغبتی و عدم انگیزه کافی از سوی افراد نمونه پژوهش در جهت تکمیل پرسشنامه‌ها بود که زمان جمع‌آوری اطلاعات طولانی شد.



۵. پیشنهادات پژوهش

- ۱) پیشنهاد می‌شود که رابطه پژوهش حاضر در مردان مطلقه نیز بررسی شود تا بتوان نتایج را در هر دو جنس با هم مقایسه نمود.
- ۲) با توجه به مشکلاتی که گردآوری داده‌ها با پرسشنامه دارد به منظور کسب آگاهی بیشتر از عقاید، افکار و نظرات افراد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌ها و ابزارهای دیگری نظیر مصاحبه بالینی استفاده شود.
- ۳) همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی بررسی و مقایسه رابطه بین خشونت خانگی و طلاق با احساس تنهایی با میانجی‌گری اضطراب اجتماعی در زنان و مردان مطلقه بررسی شود.
- ۴) پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری درباره تفاوت‌های قومیتی، طراحی مطالعات مبتنی بر جمعیت و برنامه‌ریزی برای آموزش خانواده‌ها انجام شود.
- ۵) با توجه به ارتباط ابعاد خشونت خانگی، طلاق و اضطراب اجتماعی با احساس تنهایی در زنان مطلقه پیشنهاد می‌شود که از آموزش‌های لازم در جهت ارتقاء آگاهی جامعه در زمینه اثرات خشونت خانگی استفاده شود.
- ۶) پیشنهاد می‌گردد فرصت‌های شغلی بیشتر برای زنان مطلقه برای بهتر شدن سطح زندگی و رفاه آن‌ها ایجاد شود، زیرا تا زمانی که زنان وابستگی اقتصادی به مردان داشته باشند و ارزش‌های اجتماعی‌شان فقط از نقش‌های مادری و همسری کسب شود، هرگز از خشونت‌رهایی نمی‌یابند.

۶. قدردانی

از استاد گرامی، جناب آقای دکتر علی محمدباقر، برای راهنمایی‌های بسیار و بی دریغ که روشنگر راهم بود و با همراهی و حمایت بی نظیرشان در انجام این پژوهش از محضر علمیشان مستفیض گردانیده‌اند، قدردانی می‌نمایم.

۷. مراجع

- حسینی ر، قدرتی ح، امیریور م، پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه در مشهد (پژوهشی کیفی)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۳۹۳، ۱۱ (۳): ۳۳-۴۹.
- حنیفه، س. (۱۳۹۱). رابطه خشونت خانگی و بی‌ثباتی زناشویی با واسطه نگرش‌های ناکارآمد در تعهد زنان کرج در دوران اپیدمی کرونا. دانشگاه آزاد. البرز.
- عباسی، م، علیزاده، م، امیدوار، س، حسینی، م، خطیبی، ع، و صفکش، م. (۱۳۹۶). سالنامه آماری (طلاق در ایران)، تهران: سازمان ثبت احوال.
- محسنی تبریزی، علیرضا. چلیدی علیرضا؛ جوادیان زاده، مهدیه. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان متأهل مراجعه کننده به پزشکی قانونی و مراکز بهزیستی شهر یزد در سال ۱۳۸۸. فصلنامه سلامت یزد طلوع، ۱۱ (۳)، ۱۱-۲۴.
- محمد نظری، علی. صاحب‌دل، حسین اسدی، مسعود (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و بی‌ثباتی زناشویی در مردان و زنان متأهل

Alesina, A., Brioschi, B., & La Ferrara, E. (2021). Violence Against Women: A Cross-cultural Analysis for Africa. *Economica*, 88(349), 70-104.

Allen, S., Hawkins, A. J., Harris, S. M., Roberts, K., Hubbard, A., & Doman, M. (2022). Day-to-day changes and longer-term adjustments to divorce ideation: Marital commitment uncertainty processes over time. *Family Relations*, 71(2), 611-629.

Arnall, E., & Stewart, S. (2021). Developing a theoretical framework to discuss mothers experiencing domestic violence and being subject to interventions: A cross-national perspective. *International journal for crime, justice and social democracy*, 10(2), 113-126.

Bülbül, T., Mucuk, S., Dolanbay, M., & Turhan, İ. (2021). Do complaints related to menopause affect sexuality and marital adjustment? *Sexual and Relationship Therapy*, 36(4), 465-479.



- Cabilar, B. Ö., & Yılmaz, A. E. (2022). Divorce and Post-divorce Adjustment: Definitions, Models and Assessment of Adjustment. *Psikiyatride Guncel Yaklasimler*, 14(1), 1-11.
- Labonté, T., Dugal, C., Lafontaine, M. F., Brassard, A., & Péloquin, K. (2022). How Do Partner Support, Psychological Aggression, and Attachment Anxiety Contribute to Distressed Couples' Relationship Outcomes? *Journal of Sex & Marital Therapy*, 48(1), 79-99.
- Nieh, H. P., Chou, L. T., & Chang, C. J. (2021). Depressed mood trajectories in the first year postpartum among Taiwanese mothers: Associations with perceived support, financial stress, and marital satisfaction. *Journal of Health Psychology*, 13591053211049944.
- Portes, P., Brown, J., & Smith, T. 2000. The divorce adjustment. inventory revised: validation of a parental report concerning children's post- custody adjustment. *Journal of Divorce & Remarriage*, 33 (3-4),93-109.
- Schulz, A., Lass-Hennemann, J., Sütterlin, S., Schächinger, H., Vögele, C., 2013. Cold pressor stress induces opposite effects on cardioceptive accuracy dependent on assessment paradigm. *Biol. Psychol.* 93, 167–174
- Sperandio, K. R., Gutierrez, D., Kirk, M., Lopez, J., & Nathaniel Mason, W. (2021). Post-Traumatic Growth After the Drug-Related Death of a Loved One: Understanding the Influence of Self-Compassion and Hope. *The Family Journal*, 10664807211052479.
- Surita, F. G., & del Risco Sánchez, O. (2022). Routine enquiry for domestic violence during antenatal care: an opportunity to improve women's health. *Revista Brasileira de Ginecologia e Obstetrícia/RBGO Gynecology and Obstetrics*, 44(03), 211-213.
- Thatikonda, N. S., Ram, D., Rao, T. S., & Thatikonda, P. S. (2022). Sexual Dysfunction in Women with Nonpsychotic Disorders: A Cross-sectional Hospital-based Study. *Indian Journal of Psychological Medicine*, 02537176211057399.
- van den Broek, B., Bus, B., & Rijnen, S. (2021, August). Comment on Laratta et al. Marital Stability and Quality of Couple Relationships after Acquired Brain Injury: A Two-Year Follow-Up Clinical Study. *Healthcare* 2021, 9, 283. In *Healthcare* (Vol. 9, No. 8, p. 1024)..
- Youngson, N., Saxton, M., Jaffe, P. G., Chiodo, D., Dawson, M., & Straatman, A. L. (2021). Challenges in risk assessment with rural domestic violence victims: Implications for practice. *Journal of family violence*, 36(5), 537-550.



The Relationship between Domestic Violence and Divorce with the Mediation of Social Anxiety on the Loneliness of Divorced Women

Maryam Sharifi^۱, Ali Mohamad Bagher^۲, Maryam Heydari^۳

Abstract

This research was conducted with the aim of determining the relationship between domestic violence and divorce with the mediation of social anxiety on the feeling of loneliness of divorced women among all divorced women living in Mashhad in 1402, and finally, 189 people were selected from the total of 200 people who were selected by available sampling method. They were responsive. The applied research method is descriptive, and correlation is structural equation modeling. The results of the research showed that the structural model of examining the relationship between domestic violence and divorce with the mediation of social anxiety for the feeling of loneliness of divorced women has a favorable fit. Also, research hypotheses with the help of Pearson's correlation coefficient showed that there is a positive and significant relationship between "domestic violence", "divorce", "social anxiety" and the feeling of loneliness of divorced women. The results showed that there is a positive and significant relationship between "domestic violence" and "divorce". Also, there is a positive and significant correlation between social anxiety, domestic violence, divorce, and the feeling of loneliness of divorced women.

Keywords: domestic violence, divorce, social anxiety, loneliness, divorced women

¹ Senior student of clinical psychology, Department of Psychology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran (Corresponding Author)

² PhD in educational psychology

³ Department of midwifery, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran